

الفبا

شماره ۵ سال اول شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۸
تعداد صفحات: ۱۲

آموزش تعطیل است

در رابطه با آموزش مجازی
وپیش آموزش تعطیل نیست



در این شماره
می خوانید

۱۰

تقویم تاریخ
ملی شدن
صنعت نفت

۹

ادب و فرهنگ
صف یک نفره

۵

پرونده ویژه
آموزش
فروشی نیست

۷

تروکاژ
سیماک پدر
در سینما

امیرالمؤمنین علی علیه السلام:
ای مردم! مرا بر کارتان یاری رسانید. به خدا سوگند
که داد ستدیده را از آن که ستم کرده، بستانم و مهربار
ستمکار را بگیرم و او را به آبشخور حق کشانم، گر چه
ناخشنود باشد.



بحران مدیریت

بیشتر از سه هفته از شیوع گسترده کرونا در ایران گذشته است و چیزی که بیشتر در کشور به چشم می‌آید مدیریت بحران بد یا بهتر بگویم بحران مدیریت است. نمودار شیوع کرونا در ایران، روند صعودی بسیاری دارد؛ علی‌رغم توصیه‌ها، همچنان مردم در خیابانها و در حال سفر به مناطق شمالی کشور هستند و طبق معمول آن ارگانهای مربوطه که خوشبختانه یا متأسفانه کم هم نیستند در پستوها پنهان شده‌اند و جوابگوی هیچکس نیستند. صداوسیما مثل همیشه توپ را در میدان مردم انداخته و مانند مسئولین آموخته‌اند که مدام به مردم تذکر بدهند و هیچ فکری برای بهبود اوضاع انجام ندهند. حتی به ذهنشان نمیرسد که تنها راه جلوگیری از سفرهای درون شهری و برون شهری مردم، فقط تذکر لسانی نیست و راه‌های دیگری هم دارد. از آن طرف وقتی مردم برای دریافت ماسک و مایع ضدعفونی کننده

وقتی مردم بحران را پشت سر گذاشتند؛ چند تا موسیقی حماسی و گزارش‌های مردمی تدوین شده از تلویزیون پخش می‌شود و همان مسئولینی که قبلاً باید به دنبال می‌گشتی تا پیدایشان کنی جلوی دوربین ظاهر شده و از اقدامات نکرده خود می‌گویند و ادعای ارث و میراث می‌کند.

غافل از اینکه روز به روز اعتماد مردم را نه تنها به خود بلکه به نظام کاهش می‌دهند و طبق معمول بسیجیان و اقشار مختلف مردم و نیروهای مسلح به دنبال بهبود اوضاع هستند و هیچ کس غیر از خدا و مردم، خویش را نمی‌بینند. مسئولین کشور بدانند که این بار بحران هم ان شاءالله به پایان خواهد رسید ولی آنچه می‌ماند؛ روسیاهی در پیشگاه الهی و نظر مردم نازنین ایران است. اگر اعتقادی به آخرت دارید به فکر آن هم باشید که تلاش‌های بی‌نتیجه مردم برای دریافت ماسک جلوی راهتان را گرفته و شما را بازخواست می‌کند.

با آرزوی سلامتی مردم عزیز ایران و سربلندی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران

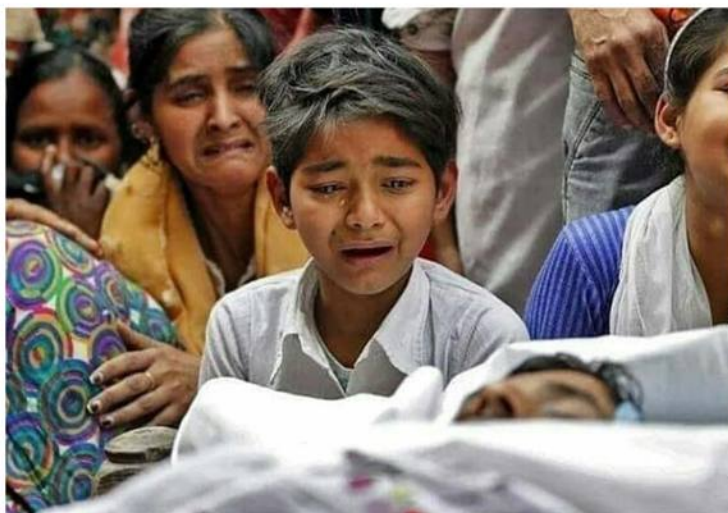
رضا هاشم رئی

در صف می‌ایستند؛ خودشان چندین بسته لوازم بهداشتی تحویل گرفته‌اند و وقتی که صداوسیما به علت کمبود ماسک به مردم می‌گوید که برای افراد سالم استفاده ماسک ضرورت ندارد؛ خودشان در مجلس همگی با ماسک حضور پیدا می‌کنند و با افتخار روی صندلی می‌نشینند و به مدیریتشان آفرین می‌گویند. آقایان وقتی داشتند مسئولیتی را قبول می‌کردند، فکر کردند که همیشه اوضاع بر وفق مراد است و همیشه پایه روبان بردن و کلنگ زنی و دست و هورا هستند. مسئولینی که همیشه جلوی دید هستند اما وقتی کشور در شرایط بحرانی است هیچ کس جوابگو نیست و مسئولیت را قبول نمی‌کند.

به طور مثال وظیفه‌ی پدافند غیر عامل چیست؟ آن همه ارگان نظارتی چه وظیفه‌ای برای کنترل بازار دارند؟ نمایندگان مجلس چه وظیفه‌ای دارند؛ جز اینکه فقط از وزیر، قرنطینه شهر خود را درخواست کنند و جلوی دوربین با خوشحالی بگویند من هم کرونا گرفتم؟ اینها همه سولاتی است که در برابر هر بحرانی در کشور پرسیده می‌شود؛ اما هیچ کس به آنها جواب نمی‌دهد و هیچ ارگانی به آن رسیدگی نمی‌کند.



وقتی مردم بحران را پشت سر گذاشتند؛ چند تا موسیقی حماسی و گزارش‌های مردمی تدوین شده از تلویزیون پخش می‌شود و همان مسئولینی که قبلاً باید به دنبال می‌گشتی تا پیدایشان کنی جلوی دوربین ظاهر شده و از اقدامات نکرده خود می‌گویند و ادعای ارث و میراث می‌کنند.



مظلوم کشی

در روز هایی که جهان در تب کرونا می سوزد و این ویروس نحس همه را درگیر کرده است. ویروس هایی در سطح جهان در حال عرض اندام هستند که دیدن آنها انسان را به یاد حرف مهران مدیری می اندازد که گفت: باز هم به انسانیت این ویروس که کودکان را نمی کشد. اما ویروسی که ما از آن صحبت می کنیم خطرناک تر از کرونا ویروس ۲۰۱۹ می باشد. این ویروس به کسی رحمی ندارد. مادران را به همراه فرزندان زنده به گور می کند و انسانهایی که به دنبال حداقل حقوق انسانی خود هستند را از دم تیغ تعصب می گذرانند. بله این ویروس همان ویروس تعصب است که بر جان هندو های افراطی افتاده و قربانی آن مسلمانان بی گناه هستند.

برای پیدا کردن منشاء این ویروس باید به دسامبر ۲۰۱۹ برگردیم زمانی که دولت هند قانونی وضع کرد مبنی بر اینکه تابعیت هندی به افراد غیر مسلمان کشورهای همسایه داده شود. این قانون از آنجایی که تبعیض آشکار بر علیه حقوق مسلمانان بود همزمان با سفر ترامپ به هندوستان اعتراض ها را دوباره برانگیخت.

۱- افزایش درصد جمعیت مسلمان و کاهش متقابل درصد جمعیت هندوها که می تواند مسئولان هند را نگران کرده باشد. ۲- مسلمانان در چندین سال گذشته توانسته اند با تکیه بر غنای فرهنگی خود در دستگاه های اداری بیشتر از گذشته نفوذ کنند. ۳- از طرفی می تواند حوادث چند وقت گذشته کشمیر و رشد تشیع در میان مسلمانان هند و حضور پررنگ شیعیان هند در راهپیمایی اربعین زنگ خطری را هم برای هندو ها و هم برای آمریکا و متحدانش به صدا در آورده باشد. به امید روزی که #انسانیت بیدار شود.

این اعتراضات موجب گسترش خشونت هندوها بر علیه مسلمانان شد. نکته قابل توجه این است حمله های هندو های افراطی با سفر ترامپ به مسلمانان سازمان یافته شده بود. و پلیس نه تنها برخوردی با افراطیون نمی کرد بلکه در مواقعی از آنها حمایت نیز می کرد.

ولی سوال اصلی اینجاست که چرا دولت هند در چند سال گذشته رو به سیاست هایی آورده است که رو به منزوی و محدود کردن مسلمانان گذاشته است ؟

در این میان چند تای آنان را با هم بررسی می کنیم.

سیدامیر حسین حسینی

اما او به جرات گفت که: «من چیزی جز آهن و آجر در این شهر به کار نبرده ام» در مورد حرم مطهر رضوی و اماکن مربوطه به این آستان هم همین امر صدق می کرد و البته متحجرین هم مخالف این رویه بودند و آن را تجمل گرایی می دانستند؛ در حالی که خود آیت الله به زعم مقام معظم رهبری از ساده زیست ترین افراد نظام بود.

۲- همه جانبه بودن علاوه بر رشد اقتصادی آستان قدس، رشد فرهنگی هم به چشم می آید که برای تایید این جمله می توان به ساخت چندین مدرسه در پایه های مختلف، از پیش دبستانی تا دبیرستان وساخت دو دانشگاه علوم اسلامی رضوی و امام رضا علیه السلام نام برد و البته ساخت دبیرستان علوم و معارف اسلامی که نشان از توجه به علوم انسانی و معارف اسلامی و تربیت دانش آموزانی در این راستا است. البته در این چهار سال، آن نگاه مترقی و رو به جلو و مبتنی بر الگوی ایرانی اسلامی، جای خود را به دید متحجرانه و ساده انگارانه ای داده است که مدیریت اسلامی را در صرفه جویی بیش از اندازه و گدا پروری می داند.

امید است در آینده آستان قدس رضوی به آن مسیر سابق باز گردد و البته ایرادات آن را هم اصلاح کند تا بتواند میزبان و خادمی شایسته برای زائران امام هشتم باشد؛ که در واقع کل ایرانیان در سرتاسر کشور است و محدود به محیط حرم مطهر نمیشود.



رضا هاشم زئی

مدیر مسلمان

دو اصل در این مدیریت بیشتر از بقیه به چشم میاید:

۱- تخصص و برنامه محور بودن

۲- همه جانبه بودن

۱- تخصص و برنامه محور بودن: متأسفانه در کشور تفکری وجود دارد که بیشتر صدمات نظام از این ناحیه بوده است و آن تفکر تعهد مهم تر از تخصص است؛ اما آیت الله طبسی تعهد را در تخصص می دید و هر کاری را مبتنی بر اصول علمی، با یک برنامه جامع و بلند مدت و به بهترین و کامل ترین شکل انجام می داد.

به طوری که یکی از خاطراتی را که از ایشان نقل می کنند؛ این است که بعد از جنگ که هویزه کاملاً تخریب شده بود؛ امام ساخت هویزه را به آستان قدس واگذار کردند و ایشان از خبره ترین مهندسين کشوری برای ساخت شهری بر مبنای اصول شهر سازی اسلامی استفاده کرد که بعد از ساخت شهر، مسئولین وقت جهاد سازندگی به ایشان گفتند که: «شما شهری با شمایل طاغوتی ساخته ای»

۱۴ اسفند، سالروز درگذشت تولیت آستان قدس و یکی از تاثیرگذار ترین مبارزین انقلاب در مشهد، آیت الله واعظ طبسی است. امسال چهارمین سال در گذشت این عالم و یا به زبان بهتر یک مدیر اجرایی است که مدیریت اسلامی نوین را به مدت ۵۳ سال در کشور اجرا کرد.

بعد از ۴۰ سال، همچنان تعریف واژه مدیریت اسلامی نوین و نمونه عینی آن برای مردم ناپیدا است؛ به طوری که بعد از دفاع مقدس در هیچ یک از رئیسان جمهور ایران این امر دیده نمیشود؛ اما نگاهی دقیق تر به روند مدیریتی آستان قدس رضوی بیندازیم متوجه رگه ای از این مدیریت می شویم و میتوان گفت موفق ترین نهاد در جمهوری اسلامی در زمینه اقتصادی فرهنگی و عمرانی در مدیریت اسلامی، آستان قدس رضوی است که در دوره ۳۵ ساله تولیت آیت الله به اجرا در آمد.



آموزش تعطیل است



**با شیوع ویروس کرونا
در کشور و تصمیم
ستاد مبارزه با کرونا
مبنی بر تعطیلی
مدارس، موضوعی
تحت عنوان آموزش
مجازی بر سر زبان ها
افتاد. آموزش
مجازی، حقیر تر و
نحیف تر از آن است
که از آن به یک طرح
یا پروژه تعبیر شود**

کشور ما همواره مسائل و پیشامدهای ناگوار را انکار می کند تا اینکه تبدیل به بحران شوند. این جاست که این بحران، بحران تازه ای به وجود می آورد. و آن بحران مدیریت بحران است. اما در همین بلوای بحران ها و تهدیدهای کرونایی، فرصت هایی مطالعاتی و فکری نهفته. لحظاتی که می توان از آنها برای عبرت گیری و آسیب شناسی استفاده کرد. ویروس کرونا ابعاد تازه ای از مطالعه اجتماعی و فرهنگی را به روی ما باز کرد.

با شیوع ویروس کرونا در کشور و تصمیم ستاد مبارزه با کرونا مبنی بر تعطیلی مدارس، موضوعی تحت عنوان آموزش مجازی بر سر زبان ها افتاد. آموزش مجازی، حقیر تر و نحیف تر از آن است که از آن به یک طرح یا پروژه تعبیر شود که البته باید اینطور می بود. از زمان مطرح شدن این موضوع، هر از چند گاه، سوالاتی به ذهن مان خطور می کند. برای مثال آموزش مجازی، تا چه حد می تواند جاری کننده عدالت آموزشی باشد؟

معلمان موظف به انجام تدریس از طریق شبکه های پیامرسانی مانند تلگرام هستند که البته توسط دولت محترم فیلتر اند. جناب حاجی میرزایی باید بتوانند مساله رفع فیلترینگ تلگرام را به عنوان یکی از اعضای شورای عالی فضای مجازی مطرح کنند. بحث دیگر هزینه ای است که معلمان باید برای اینترنت بپردازند که باتوجه به مانع فیلتر، این هزینه بیشتر نیز خواهد بود. و این باری است که باید آموزش و پرورش به دوش بکشد و نه معلم و دانش آموز. در این فقره، چقدر جای دفتر انتشارات و فناوری وزارت آموزش و پرورش خالی است. البته صحبت هایی مبهم درخصوص بسته های رایگان برای معلم و دانش آموز هم شده بود. تعامل میان دو وزارتخانه آپ و ارتباطات نیز در این برهه، می تواند بسیار راهگشا باشد.

در راستای سیستم "هر مساله، یک وعده" در دولت تدبیر و امید؛ جناب وزیر قول راه اندازی یک نرم افزار اینترنتی بومی با قابلیت هایی همانند کلاس را داده اند که در آن امکان حضور و غیاب و امتحان نیز مهیا خواهد بود. امید است که تعجیل در دادن چنین وعده هایی، باعث پایین آمدن کیفیت مطلوب و مورد انتظار از محصول نهایی نشود و باز سلسله مسائلی برای مربی و مربی به وجود نیاید.

البته سیستم وعده ها در دوره جناب بطحایی نیز تاکتیک امتحان پس داده ای است. وزیر سابق آموزش و پرورش نیز مرتباً وعده هایی در باب راه اندازی "رسانه تعاملی سینا" می دادند که البته مطابق معمول عملی نشد.

اگر طرح رسانه تعاملی سینا راه اندازی شده بود، شاید امروز آموزش مجازی این قدر، از هم گسیخته و اینقدر متکی به وجدان و خلاقیت معلمان نبود. معلمی که با پول خودش بسته می خرد، با پول خودش امکانات تهیه می کند، حتی از یخچال خانه اش به جای تخته استفاده می کند و خانواده او نیز همپای او به انجام وظیفه اش کمک می کنند. مگر این عشق بتواند جای خالی کمبودها را پر کند. یکی دیگر از وعده های عملی نشده، راه اندازی شبکه ملی اطلاعات است که حالا می توانست باری از روی دوش آموزش بردارد. شبکه ملی اطلاعات می توانست بستری مناسب برای ارائه وعده های معقول تر و زمینه ای برای استفاده از ایده های خلاقانه آموزشی باشد. توسعه زیرساخت های فضای مجازی، از ملزومات بدیهی آموزش مجازی است.

نحوه تدریس و مدیریت معلمان در آموزش مجازی، حاکی یک مشکل دیگر نیز هست. ناکارآمدی دوره های ضمن خدمتی که برای آموزش مجازی اختصاص یافته اند. مشخصاً این دوره های تنها به امتیازات معلمان اضافه کرده و هیچ عایدی دیگری برای آنها ندارد.

حالا موارد مطرح شده را بگذارید کنار عدم دسترسی بخش قابل توجهی از دانش آموزان و حتی معلمان در بعضی مناطق کشور به اینترنت برای بهره گیری از آموزش مجازی و در مواردی عدم دسترسی به برق برای استفاده از کلاس های درسی صدا و سیما. نگویم از کودک فقیری که حتی در شهر های بزرگ، والدینش از تهیه یک بسته اینترنت هم ناتوانند. قشری که از نظر آموزشی ضربه می خورد نیز همین طبقه رنج کشیده است. دانش آموز بالای شهر نشین که بعد از تعطیلات معلم خصوصیمی گیرد... می گویند کرونا طبقاتی عمل نکرده است! معلوم می شود با کپر های سیستم و به روستا های یزد و کوه های کهگیلویه، آشنا نیستند!

می گویند "آموزش تعطیل نیست" حتی وقتی که مدارس تعطیل است. من میگویم "آموزش تعطیل است" حتی وقتی که مدارس باز است و "بعضی" بر مناصب قدرت!



حمیدرضا ایزدی

آموزش فروشی نیست!



طرح خرید خدمات آموزشی با هدف جبران کمبود معلم، در دولت یازدهم و در دوره وزارت علی اصغر فانی کلید خورد. در مرحله نخست اجرای این طرح، مدارس دولتی را به همراه فضا، امکانات و دانش آموزان به بخش خصوصی واگذار کردند؛ تا آنها وظیفه تأمین معلم را بر عهده داشته باشند.

و بسیاری سوالات دیگر، که واقعا بدون پاسخ مانده اند و هرگز برای رفع و بهبود شرایط هیچ اقدامی نمی‌شود، حداقل تا به اینجا به این شکل بوده است. متأسفانه این شرایط وخیم در سیستم آموزش و پرورش ما وجود دارد و همه ی ما به آن واقفیم.

تمام معلمانی که به این طریق جذب کار شده اند، همگی به امید استخدام و رسمی شدن پا به این عرصه گذاشته اند که شاید روزی بتوانند آب باریکه ای مقرر برای خود داشته باشند.

جذب نیرو به صورت غیراصولی متأسفانه این طرح با به خدمت گرفتن فارغ التحصیلان جویای کار و فاقد مهارت های معلمی در رشته های از جمله روانشناسی کودک، مهارت های ارتباط با کودکان و... هستند، هیچ پشتوانه اصولی و علمی ندارد. کارفرمای دولت، با بودجه ای که از دولت می گیرد، باید بتواند امورات مدرسه تحت مدیریت خود را بگذراند؛ فلذا افرادی را با کمترین تخصص و کمترین حقوق به عنوان معلم، به مدرسه می آورند.

عدم شفافیت

متأسفانه عملکرد این مدارس، بودجه آنها، حقوق معلمان این مدارس و ارزیابی فعالیت هایشان به هیچ وجه شفاف نیست. این عدم شفافیت مانع اصلاح ساختار های غلط این طرح می شود. هیچ آمار رسمی از تعداد مدارس و معلمان طرح خرید خدمات وجود ندارد.

ادامه صفحه بعد

اجرائی ارائه شده فاقد مبانی شفاف علمی و پژوهشی منتشر شده هستند؟ آیا به ازای هر یک میلیارد تومان هزینه برای پژوهش در آموزش و پرورش، نباید به یک راه حل علمی، بومی و مؤثر برای یک مسئله آموزش و پرورش دست یافت؟ چگونه به بهره‌وری می‌اندیشیم که به جای انجام تکلیف قانونی برنامه ششم، مبنی بر تهیه نظام رتبه‌بندی معلمان و استقرار نظام پرداخت‌ها براساس تخصص با شایستگی‌ها و عملکرد رقابتی مبتنی بر نظام رتبه‌بندی معلمان و مهندسی نیروی انسانی، طرح خرید خدمات را برای دائمی شدن در آموزش و پرورش مطرح می‌کنیم؟

در سال‌های اخیر که بارها وزارت آموزش و پرورش از مشکلات و کمبود معلم در نقاط مختلف کشور سخن گفته است؛ سعی کرده این مسئله را با معلمان خرید خدمت از یک طرف و سربازمعلم‌ها از سوی دیگر برطرف کند. طرح خرید خدمات آموزشی با هدف جبران کمبود معلم، در دولت یازدهم و در دوره وزارت علی اصغر فانی کلید خورد. در مرحله نخست اجرای این طرح، مدارس دولتی را به همراه فضا، امکانات و دانش‌آموزان به بخش خصوصی واگذار کردند؛ تا آنها وظیفه تأمین معلم را بر عهده داشته باشند. این طرح در ابتدا واکنش‌هایی را از سوی مجلس شورای اسلامی در پی داشت. برای همین استفاده از معلمان خرید خدمت فقط در نقاط محروم کشور عملیاتی شد. جالب تر اینکه علیرغم همه مخالفت‌ها با اصل و اساس چنین طرحی، بودجه این طرح در لایحه بودجه ۹۹ با افزایشی دوبرابری همراه بوده است و این در شرایطی است که سال گذشته، بند مذکور از بودجه به درخواست نمایندگان حذف شده بود. حال چندین سوال در ذهنمان ایجاد می‌شود:

چگونه در کشور به بهره‌وری می‌اندیشیم، درحالی که در تربیت نسل آینده، سرمایه‌گذاری انسانی بلندمدت و مناسبی را انجام نمی‌دهیم؟

چگونه به بهره‌وری ملی می‌اندیشیم که با نادیده انگاشتن مفاد سند تحول، فعالیت‌هایی همچون ساخت و ساز مدارس یا چاپ کتب را در سیستم دولتی و با هزینه‌های بسیار گران (چند برابری) نگه داشته‌ایم و اصلی‌ترین مأموریت نظام تعلیم و تربیت را در قالب طرح خرید خدمات به بخش غیردولتی واگذار می‌کنیم؟

چگونه به بهره‌وری آموزش و پرورش می‌اندیشیم؛ درحالی که با تخصیص قریب به ۱۰۰ میلیارد تومان در سال برای پژوهش، بیشتر طرح‌های



مشکلات

معلمان این طرح

در پنج سالی که از اجرای این طرح می‌گذرد، معلمان خرید خدمات در مناطق کم برخوردار کشور با طرح خرید خدمات، وظیفه تعلیم و تربیت را برعهده داشته‌اند. مسئله اصلی آنها در همه این سال‌ها حقوق و بیمه است. آنها می‌گویند وزارت آموزش و پرورش به آنها مثل نوکر و کنیزهایی بی‌جیره و مواجب نگاه می‌کند و چون طرف آنها بخش خصوصی است، کسی جوابگوی مطالبات آنها نیست. در این مدت وزارت آموزش و پرورش چندین بار شاهد تجمع این معلمان بود. آنها می‌خواهند به کارمندان رسمی تبدیل وضعیت شوند و درباره مشکلاتشان صحبت کنند. حق خودشان می‌دانند که وقتی در تمام سال‌های کارکردن شان دو، سه ماه یک بار حقوقی اندک گرفته‌اند، حالا کسی باشد که به حرف هایشان گوش بدهد و شأن آنها را زیر سؤال نبرد. بعضی حتی خواهان استخدام رسمی هم نیستند و فقط می‌خواهند همان حقوق اندک را از ایشان دریغ نکنند. علی‌الیهار ترکمن، معاون پشتیبانی وزیر آموزش و پرورش، درباره مشکلات معلمان خرید خدمات و واکنش آموزش و پرورش می‌گوید: «وزارت آموزش و پرورش به استناد ماده ۱۴ قانون الحاق ۲ و ماده ۵۲ قانون برنامه ششم توسعه، مجاز است برای مناطق خاص که کمبود نیرو دارد، از نیروهای پاره‌وقت و در قالب خرید خدمات از نیروی بخش غیردولتی استفاده کند. در قبال معلمان خرید خدماتی که به‌صورت پاره‌وقت وارد این حرفه می‌شوند، دولت و وزارت آموزش و پرورش هیچ گونه تعهدی مبنی بر تبدیل وضع و استخدام آنها ندارند و آنها با علم به شرایط کاری خودشان قبول کرده‌اند این قرارداد را منعقد کنند. امیدواریم از ابتدای مهرماه سال جاری هم به استناد بند کاف تبصره ۲۱ قانون بودجه، حقوق این افراد به‌صورت ماهانه پرداخت شود و برای پرداخت مطالبات معوقشان هم اقدامات لازم را انجام می‌دهیم».



اما مساله اصلی و مشکل بنیادین این طرح، همانطور که از نام "طرح خرید خدمات آموزشی" پیداست، کالایی کردن آموزش است. این طرح نقض صریح اصل سی ام قانون اساسی مبتنی بر ایجاد زمینه تحصیل رایگان برای همه تا پایان دوره متوسطه و البته گامی است در جهت خصوصی سازی آموزش و پرورش

باز هم تبعیض!...

و باز غم انگیز تر از همه این ایرادات این که، حتی در اجرای چنین طرحی نیز نگاهی طبقاتی وجود دارد. از آنجا که این طرح معلمان غیر متخصص را به خدمت می‌گیرد، تنها در مناطق محروم کشور اجرا می‌شود. و این یعنی جفا در حق دانش آموزان آن مناطق. و درواقع بازهم مناطق محروم همچنان که دور از امکانات و اطلاعات و خدمات هستند

، قربانی سیاست های غلط مسئولین شده‌اند. درواقع دولت و البته مسئولین آموزش و پرورش، برای لاپوشانی بی تدبیری های خود؛ از جمله بحران کمبود معلم و کمبود بودجه و همینطور برای تقلیل مسئولیت هایشان، اقدام به اجرایی کردن چنین طرحی نمودند. طرحی که قربانیان زیادی از جمله دانش آموزان و معلمان مشمول این طرح را در بر می‌گیرد و البته شعله های آن، بعد ها دامن کشور را نیز خواهد گرفت. چه استعداد هایی که در مناطق محروم وجود دارند و چه ظلم هایی که بر آنها روا می‌دارند... اگر این طرح، طرح خوبی است باید زودتر از همه در محله های بالای شهر اجرا شود و فرزندان آقایان حاجی میرزایی و ترکمن به این مدارس فرستاده شوند.

مخلص کلام!

اما مساله اصلی و مشکل بنیادین این طرح، همانطور که از نام "طرح خرید خدمات آموزشی" پیداست، کالایی کردن آموزش است. این طرح نقض صریح اصل سی ام قانون اساسی مبتنی بر ایجاد زمینه تحصیل رایگان برای همه تا پایان دوره متوسطه و البته گامی است در جهت خصوصی سازی آموزش و پرورش. مسئولان ما به قوانینی که منافی خواسته هایشان باشد، عمل نمی‌کنند و در عوض قوانینی را برای توجیه بی تدبیری های خود تصویب می‌کنند. تعریف آموزش به عنوان یک کالای قابل خرید و فروش، پیامدی به جز به مسلخ بردن تعلیم و تربیت، بی عدالتی آموزشی، فراهم شدن زمینه برای سودجویان و عقب ماندگی آموزشی در پی ندارد. متأسفانه مسئولین ما هنوز به آموزش، به عنوان مقوله ای استراتژیک نگاه نمی‌کنند و آنرا در اولویت دولت ها در نظر نمی‌گیرند.

تأمین بودجه امکان پذیر است، جذب نیروی شایسته امکان پذیر است، مشکلات معلمان قابل حل است، تربیت ایده آل، شدنی است؛ به شرطی که نگاه دولت به آموزش و پرورش نیز عوض شود.



ترسیم سیمای پدر در سینما



ترسیم سیمای پدر در سینما به دفعات صورت گرفته اما در عین حال نمایش درست احساسات پدرانه جز از عده اندکی بر نیامده است. به بهانه روز پدر، در لیست زیر نگاهی می اندازیم به چند تن از پدران بیاد ماندنی سینمای جهان. البته که این لیست می توانست پدر های نمونه دیگری را هم در خود جای دهد.

تد کریمر در "کریمر علیه کریمر"

درام نیویورکی این فیلم روایت کننده جدایی تد و جوانا کریمر از یکدیگر است. در خلال داستان سرراست این فیلم با تجربیات پدرانه تد کریمر (با بازی هافمن) همراه می شویم که تا قبل از طلاق عاطفی از همسرش، در کار خود غرق و از وظایف پدرانه خود غافل شده بوده و حالا مجبور است روی اولویت های کاری خود پا بگذارد تا بتواند پدر خوبی باشد. جنگ بر سر حضانت فرزندش او را تبدیل به آدم دیگری می کند؛ آدمی که حالا دیگر همه دنیایش فرزندش است. داستین هافمن برای نقش آفرینی در این فیلم برنده جایزه اسکار نیز شد.



ولگرد در "بچه"

همگی چارلی چاپلین را با آن نگاه های مضحک و قیافه مسخره و تیپ زهوار در رفته اش می شناسیم و غالباً از ژرفای متن آثار او غافل شده ایم. چارلی در سال ۱۹۲۱ "بچه" را ساخت و پدر بودن را به زیبایی در رگ های فیلم جاری ساخت. گرچه او تنها یک ناپدری است اما مسلماً از غم، محبت ها، شادی ها، رفاقت ها و حمایت های پدرانه چیزی کم ندارد. پسر شیشه های خانه ها را می شکند و پدر به شیشه بری مشغول می شود. این درعین آنکه هجو کسب و کار در دنیای مدرن را در دل خود دارد، همدلی یک پدر و پسر را نیز به طرز خنده آوری نشان مان می دهد. برای تجربه تماشای پدرانه های ناب چارلی، شنیدن کنایه های صامت فلسفی اش به شکل گیری جوامع انسانی و لذت بردن از اشک ها و لبخند های زندگی ولگرد کوچولوی قصه مان، فیلم "بچه" را ببینید.



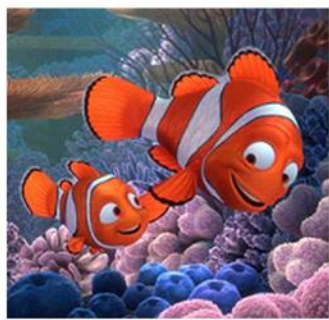
اتیکس فینچ در "کشتن مرغ مقلد"

این جا با یکی از انسانی ترین فیلم های تاریخ سینما طرفیم و البته با یکی از بهترین پدر های سینما. فیلم در حین روایت بی غل و غش نژادپرستی در آمریکا، انسان هایی حقیقی را برای ما نمایش می دهد. نریشن های اسکات فینچ، دختر اتیکس، به خوبی او را در مقام پدر معرفی و احساساتی انسانی را با غلظت فراوان به سمت مخاطب سرازیر می کند. تماشای این کلاسیک ناب و رمان معروفی به همین نام، می تواند نگاه ما را نسبت به روابط انسان ها عوض کند.



کوپر در "میان ستاره ای"

کوپر که یک خلبان فضایی بازنشسته ناساست، طی جریاناتی به شغل سابقش باز می گردد. حالا باید برای انجام ماموریتی برای نجات بشریت و یافتن خانه ای جدید برای نوع انسان از خانواده و فرزندانش دست بکشد. مورفی، دختر نابغه کوپر، شدیداً به پدرش وابسته است اما کوپر قول می دهد که هرطور شده برگردد. و او برمیگردد درحالیکه دختر رو به موتش از او پیرتر است. دیالوگی در فیلم خطاب به کوپر می گوید: "یک پدر در لحظات پایانی چی می بیند؟ چهره بچه هاشو." این حس غریزی عجیب است که در داستان این فیلم به داد بشریت می رسد و بقای آنرا حفظ می کند. چیزی که به آن می گویند غریزه بقا.



مارلین در "در جستجوی نمو"

مساله اساسی انیمین های پیکسار هویت است. این بار مشخصاً پدر داستان به دنبال "نمو" یا "هیچکس" است. پدری که هویت خود را در احساس تعلق به فرزندش می داند و البته یکی از پدران نمونه سینماست. این انیمیشن شاهکار، مناسب برای هر سنی و سرشار از نکات آموزشی برای کودکان و بزرگسالان است. ایمان، ارزش خانواده، تعلق و محبت و اراده از مفاهیم مورد تاکید "در جستجوی نمو" است. باید برای حفظ هویت جنگید و در حرکت بود.



الکساندر در "ایثار"

تصور شما از پدرانگی حضرت ابراهیم چیست؟ در خیال به او الهام می شود که باید برای خدا، فرزندش را قربانی کند. او بین پدر یک نفر بودن و پدر یک امت بودن، پدر امت بودن را بر می گزیند. در این فیلم نیز صحبت از قربانی فرزند است اما با تفاوت هایی اساسی. الکساندر، مدرس زیباشناسی و کمترین سابق، از وقوع یک فاجعه اتمی باخبر می شود و نذر می کند که در صورت اتمام ماجرا، از هرچه دارد بگذرد. باید دید الکساندر می تواند از پدر یک نفر بودن دست بکشد تا برای بشریت پدری کند؟ آخرین اثر آندری تارکوفسکی بزرگ را از دست ندهید.



اتیکس فینچ در "کشتن مرغ مقلد"

این جا با یکی از انسانی ترین فیلم های تاریخ سینما طرفیم و البته با یکی از بهترین پدر های سینما. فیلم در حین روایت بی غل و غش نژادپرستی در آمریکا، انسان هایی حقیقی را برای ما نمایش می دهد. نریشن های اسکات فینچ، دختر اتیکس، به خوبی او را در مقام پدر معرفی و احساساتی انسانی را با غلظت فراوان به سمت مخاطب سرازیر می کند. تماشای این کلاسیک ناب و رمان معروفی به همین نام، می تواند نگاه ما را نسبت به روابط انسان ها عوض کند.



کفرناحوم

کفرناحوم یک فیلم درام لبنانی به کارگردانی، تهیه کنندگی و بازیگری نادین لبکی محصول سال ۲۰۱۸ است. ستاره ی این فیلم زین الرافعی در نقش زین الحاجی، پسر ۱۲ ساله ای است که در زاغه های اطراف بیروت زندگی می کند. روایت فیلم به صورت فلاشبک و با تمرکز بر زین و تلاش های او برای شکایت از پدر و مادرش ساخته شده است.

از نظر منتقدان غربی این فیلم یک شاهکار بی نظیر از خانوم لبکی است که توانسته معضلات اجتماعی و خانوادگی جهان سوم را به تصویر بکشد، ولی واقعیت قابل لمس این فیلم در پس محتوای غیرمستقیم آن پنهان شده، پسر نوجوانی که می خواهد از پدر و مادرش شکایت کند که چرا او را به دنیا آوردند. او به کشور خود ناسزا می گوید. لحظه آخر فیلم با گرفتن ویزا و پاسپورت یک کشور غربی لبخندی از اعماق وجود می زند که نشان می دهد راه نجات و سعادت مهاجرت است.

کارگردان در این فیلم فقط بیچارگی را به تصویر می کشد و اینکه چقدر وضعیت خاورمیانه افتضاح است و هیچ گونه همدردی و نگاه برار در متن فیلم موجود

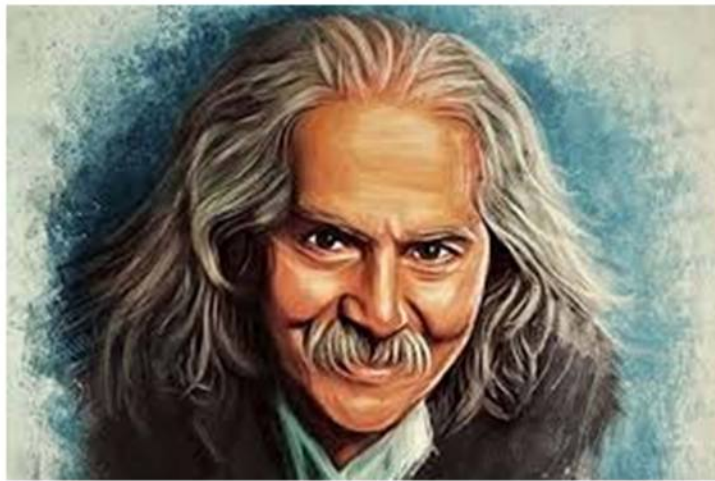
کاراکتر در زمانی مناسب به یاد اتفاقی در گذشته بیافتد نه اینکه گارگردان هر وقت دلش بخواهد فضا را پرکند، از آن بهره گیرد. نکته دوم اینکه چهل دقیقه از فیلم به چرخیدن های زین و پسر کوچک سپری شد؛ که می توان آن را در ده دقیقه هم جای داد که این کشش فیلم بی دلیل بود، که البته هر دو نقص در پس بازیگری بی نظیر زین الرافعی (که خود زندگی شبیه نقشش در این فیلم داشته) و بازی گرفتن عالی از کودک آفریقایی تبار تا حد زیادی به چشم نمی آید.

از جمله جنبه های مثبت بارز فیلم این است که به خوبی توانسته فقر فرهنگی، تفکرات غلط و جنگ و اعتیاد و تأثیرش روی کودکان را به تصویر بکشد و همین طور مفهوم تداوم چرخه ی باطل را به خوبی نشان می دهد که معضلاتی مثل بچه فروشی ادامه پیدا می کند و اینکه کودکان در چه شرایط سخت و ناآرامی رشد می کنند و قربانی کشمکش های سیاسی می شوند. (که البته بخاطر شعار زندگی و مهاجرت گرایی و فضای فانتزی دادگاه و شکایت کردن، این جنبه های مثبت به نوعی بی فایده شده و فقط احساسات مخاطب را جریحه دار می کند.)

علیرضا واعظی

نیست و به جای اینکه راه اصلاح و فرهنگ سازی را در پیش بگیرد، محتوا را باب میل منتقدانی ساخته که می خواهند خود را کامل و کشورهای خاورمیانه را به بدترین شکل ممکن نشان دهند. شاید علت پذیرایی جشنواره های بین المللی دیگر، به خصوص جشنواره ی کن همین است که فیلم در راستای تحقق امیال آن هاست. و اینکه کشور های دیگر را ما باید نجات دهیم و آنها باید از ما تقلید کنند و این اختلاف و نگاه بالا به پایین هرچه بیشتر و مداوم تر باشد برای ما بهتر است. از نظر خیلی مثل آقای فراستی در برنامه هفت این فیلم برای جایزه گرفتن ساخته شده و محتوایی کاملاً برعکس دارد.

کارگردان خودآگاه یا نا خودآگاه بخش عمده ای از کم عمقی، شعارزدگی و نداشته های فیلمش را به مدد حضور پسر بچه ای احساس برانگیز و باهوش پوشش داده است. شاید اگر این دوساعت به عنوان مستند از معضلات اجتماعی بیان می شد، بسیار قابل قبول تر بود تا فیلمی که اینگونه تعارض در متن خویش دارد. از نظر تخصصی فیلم دو نکته منفی داشت؛ اول فلاشبک های بد موقع بود. فلاشبک زمانی اقتضا می کند که



علیرضا شیرزاده

صف یک نفره

در دسته بندی که شفيعی کدکنی از شاعران انجام می دهد اخوان ثالث در یک صف به طور انحصاری قرار دارد. او همچنین دو ویژگی خاص را از اشعارش بر می شمارد که یکی زبان پرطنین و غنی شعرش است و دیگری جنبه اجتماعی و تصویرهایی که از زندگی و تاریخ معاصر دارد. از زبان دیگر بزرگان هم می توان ستایش های زیادی درباره اخوان شنید. مانند فرزند بی نظیر

باباطاهر و ...، او از جمله معروف ترین شعرای معاصر فارسی است که همراه با شاملو از بزرگترین شاگردان نیما یوشیج خوانده می شود. شعرش نیز کامل کننده زبان نمادین نیما یوشیج است. اما باید بدانید که او در هنرستان رشته آهنگری را خوانده و مدتی در مشهد به این کار اشتغال داشت. در همان مشهد هم در انجمن های ادبی شرکت داشت و به عنوان چهره ی برگزیده و امید شعر کهن خراسان از او یاد می شد. نقطه عطف زندگی او را می توان مهاجرتش به تهران دانست. این سفر هم در زندگی و افکار هم در شعرش تاثیر گذاشت.

اخوان حتی در زمان انتشار مجموعه شعر زمستان هم در ۱۳۳۵ خیلی معروف نبود و این کتاب با استقبال زیادی روبرو نشد. به موسیقی علاقه زیادی داشت و از کودکی تار می زد که البته با مخالفت های خانواده نیز همراه بود. از اتفاق هایی که خیلی بر او تاثیر گذاشت هم یکی مرگ دو دخترش در سنین پایین بود. او به دلایل سیاسی دوبار به زندان افتاد و حتی در زندان از امضای تعهد نامه خودداری کرد. در سال ۱۳۶۹ در تهران در بیمارستان درگذشت و پیکرش در مشهد در آرامگاه فردوسی به خاک سپرده شد.

شعرهای اخوان ثالث موضوعات اجتماعی و به روزی دارند و به عبارت دیگر شما نمی توانید شعری از او پیدا کنید که اشاره ای به موضوعات روز نداشته باشد. فعالیت های مختلف او هم از جمله کار در آموزش و پرورش، رادیو و ... نشان از شخصیت اجتماعی او دارد. اما اشعارش بر خلاف تخلص آنچنان دارای امید نیستند و بیشتر مضمون اندوه را در خود دارند. زندگی اش هم با سختی های زیادی همراه بوده است. جنبه های پنهانی در زندگی و آثار او نیز وجود دارند که به قول مولانا ندانم های بسیار است لیکن من نمی دانم.

منتشایش را به سوی غرب با تهدید و با نفرت/ و به سوی شرق با تحقیر/ لحظه ای جنباند. از شعر خوان هشتم

کمتر داریم ولی عجیب تر از آن شعر گفتن از ۷ سالگی است. پروین اعتصامی با اسم اصلی رخشنده ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ در تبریز به دنیا آمد. پدر او یوسف اعتصامی خود از اهالی ادب بود و چهل جلد ترجمه در کارنامه کاری اش دارد. عمویش ابوالحسن اعتصامی هم نقاش و معمار معروفی بوده است. وجود استادانی همچون دهخدا و ملک الشعرا بهار در کنار پدر باعث شد که استعداد او در شعر خیلی زود کشف شود و همین زمینه ادبی به او کمک کرد تا شناخته شده ترین شاعر زن ایرانی شود. پروین در مدرسه دخترانه آمریکایی فارغ التحصیل شد و در جشن فارغ التحصیلی سخنرانی با عنوان زن و تاریخ ایراد کرد. در سن ۲۸ سالگی با پسر عموی خود ازدواج کرد ولی پس از مدتی از هم جدا شدند. پس از آن برای مدتی به شغل کتابداری پرداخت. در سن ۳۵ سالگی بر اثر حصبه درگذشت و در جوار حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

اعتصامی از شخصیت های ادبی مستقل زمانه خود بود و جز جریان فکری خاصی قرار نگرفت. اما در دوره زندگی او اتفاقات و وقایع سیاسی و اجتماعی در ایران رخ داد که در اشعارش نمود پیدا کرد. نشان دولت وقت پهلوی را هم به رضا شاه پس فرستاد به این دلیل که آن را توهین به خود می دانست. او مناظره را نیز در شعر به کمال خود رسانده است و از مشهورترین مناظره سرایان تاریخ ادبیات ایران به شمار می آید. نقد های منفی درباره او بسیار کم است. البته عده ای معتقدند که این اشعار همه سروده پدر اوست. شفيعی کدکنی ظهور او را پس از دوران مشروطیت یک واقعه بزرگ ادبی می نامد و عجیب است که پس از او نیز کمتر شاعری به این درجه و مقام رسیده است.

علیرضا شیرزاده



شاعره؟

در طی این ایام، روزگار زنان مشرق زمین همه جا تاریک و اندوه خیز همه جا آکنده به رنج و مشقت، همه جا پر از اسارت و مذلت بود. یکی از علمای اجتماعی می گوید: در میان امواج بلیات و طوفانهای حوادث وارده بر شرق قسمتی از عجز و عدم موفقیت شرقیان به این سبب است که به تربیت زنان التفات نکردند. آنها را عضو عاطل بشریت پنداشته نصف قوای خود را ضایع نمودند. مادران نومید نادان، اولاد خودشان را به بی دانشی بزرگ کردند. اطفال شرق در داخل از تربیت خانوادگی و در خارج از تادیب و تهذیب محروم

ماندند. لاجرم، اسباب تباهی و تیره روزی دست به هم داده، هشتصد میلیون جمعیت آسیا را به تدنی و تنزل محکوم کردند. مدتهاست که آسیایی از خواب گران یاس و حرمان برخاسته می خواهد آب رفته را به جوی باز آرد. اگرچه برای معالجه این مرض اجتماعی بسیار سخنها گفته و کتابها نوشته اند اما داروی بیماری مزمن شرق منحصر به تربیت و تعلیم است. تربیت و تعلیم حقیقی که شامل زن و مرد باشد و تمام طبقات را از خوان گسترده معرفت مستفید نماید.

از سخنرانی زن و تاریخ پروین اعتصامی هرچند به طور کلی در جهان شاعر زن

بُت زمانه این بار غرب را بهانه نکنید!



خانقاه ها و بارگاه ها و مرقد های خود همچون محل دفن مولوی ، سرمایه کسب میکند .

ایران چهار فصل ؛ با فرهنگ ها و پوشش گوناگون ، موسیقی سنتی ، برخوردار از امکان تاریخی ، مذهبی و گردشگری ، خوراکی های مختلف ، مشاهیر متفاوت ، بستر مناسبی ست برای تبلیغ و جذب .

هر ساله ۲۹ اسفند ، فرصت مناسبی برای کشور فراهم میشود تا ابراهیم وار ، بُت غرب و غربی جماعت را متلاشی کنند اما دیگر کافی ست ! این بار غرب را بهانه نکنید ..

با یک برنامه ریزی مدون همه جانبه ی دقیق و دور از هرگونه آرمان های کلیشه ای و توجه به اوضاع کنونی در کنار متخصصین مربوطه ، میشود مسیر توسعه را ترسیم کرد و در کنار مردم ، همتی ریشه ای از جانب حضرات مسئول است .

پ.ن : استاد فلسفه ای داشتیم که تعریف میکرد : کتاب های مولانا را آتش بزنید و بروی منابر توهین و ناسزا بگویید و هر چقدر هم میخواهید و راضی میشوید لعنتش کنید . اما حداقل حفظش میکردید ، بار اقتصادی داشت . ترکیه _ غارتگر منابع انسانی و تاریخی آنهم بدلیل عدم کفایت و افکار منجمد داخلی _ هر ساله چند میلیارد دلار

از صنعت نفت کوتاه کردند اما این همه ی ماجرا نیست .

پس از انقلاب ایران امید میرفت قوانین اقتصادی با رنگ و بوی اسلامی ، در کنار همت مضاعف و دلسوزی بیکران مسئولین از شر اقتصاد تک محصولی نجات پیدا کند

و با توجه به عناصر درون کشور مانند نبوغ و هوش ایرانی در تولید محصول داخلی ، اماکن گردشگری تاریخی و اقلیمی از شمال تا جنوب ، بارگاه های مذهبی مقدس و منابع تجدید پذیر اقتصاد را بارور کند .

این اتکای دائمی به صنعت نفت ، بحران چند دهه ی اخیر کشور ماست . چندین سال با انتخاب شعار های حول محور تولید داخلی و همت و کوشش مضاعف و با بیانیه های مختلف توسعه و رشد در همه ی ابعاد مخصوصا اقتصادی _ که زیر بنای آسیب هر حکومتی ست _ مواجه میشویم .

کتابهای درسی آموزشی ، برنامه های تلویزیونی منابعی هستند که با ارائه ی راهکار های خود زمینه را جهت برون رفت از این بحران فراهم آوردند که لازم است اما کافی نه ، نمونه کشورهای موفق که توانستند با بکارگیری عناصر داخلی بحران های داخلی خود را حل کنند نه از منابع طبیعی ای آنچنانی برخوردار بودند و نه هوش های قدرتمند و ژن های خاص . در عین ایمان به تغییر ، فرهنگ سازی کردند ، هسته ی نخست تحول را _ یعنی مردم _ به کار گرفتند که ژاپن مثالی از آنهاست .

عربستان در کنار نفت ، از نعمت مکه برخوردار بوده و طی برنامه ریزی اخیر ، امکان گردشگری در صحرا ها و دشت ها فراهم کرده است .

ترکیه ؛ علاوه بر شهرهای معروفی همچون استانبول و وضعیت اقلیمی برخوردار ، از

روز ملی شدن صنعت نفت ایران در کنار واقعه ی خونین ۲۸ مرداد ماه سال ۱۳۳۲ ، یکی از پُر چالش ترین اتفاقات سده ی اخیر هستند . در طول مُدت تحصیل ، همه ی ما با رسیدن به ورق تاریخ معاصر ، نقل و قول های گوناگون در موردش میشنویم هم چنین از فیلم ها ، مستند ها و تریبون ها .

بحث تاریخی در این مُقال نمیگنجد و شما براحتی یک آب خوردن با جستوجو میتوانید تمام آنچه را که باید در مورد موضوع بخوانید و بدانید .

پادشاه های طماع شهوت پرست ! داستان اصلی از اینجا شروع میشود . کلمات متداولی که در جای جای تاریخ ایران به چشم میخورد . در حین کلیشه ای بدوش ، پاسخ برخی سوالات تاریخی ماست .

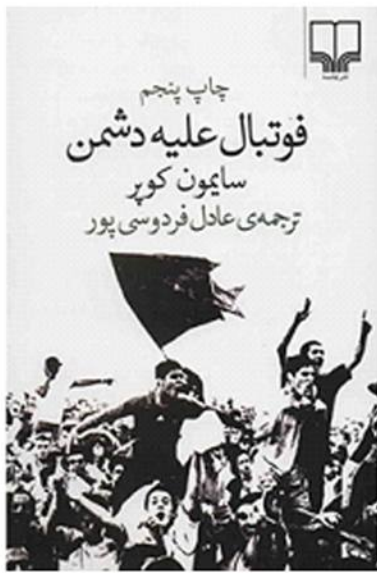
طبیعتا کشور های غربی مفت خور از اعتماد ساده لوحانه ی پادشاهان سوء استفاده کرده و با در یوزگی تمام ، یک به یک ، منابع و شهر ها و کشورهایی که با خون دل خوردن تصرف شده بود را با ندیمه ی بریتانیایی آفتاب مهتاب ندیده معاوضه میکنند !

نفت هم یکی از این ماجراهاست ! سال ۱۲۸۰ هجری شمسی ، مظفر الدین شاه قاجاری در طی قرار دادی با ویلیام دارسی ، امتیاز انحصار اکتشاف برد نفت را به دولت انگلستان اعطاء میکند که مُنتج میشود به شخم زدن منابع نفتی جنوب و جنوب شرقی ایران پس از گذشت ۷ سال .

آغاز جنگ جهانی و در نهایت شروع حکومت پهلوی ، در زمان رضا شاه ، مجددا قرارداد ۶۰ ساله ی دیگری روی کار می آید و انحصار نفت از آن غرب شد . در این بین ، ایران برهه های مختلفی را تجربه میکند و مخالفان متفاوتی را به چشم می بیند . همچون مصدق و کاشانی مرحوم _ ناجیان ملی شدن صنعت نفت _ که با مقبولیت و مشروعیت خود دست طماع غرب را

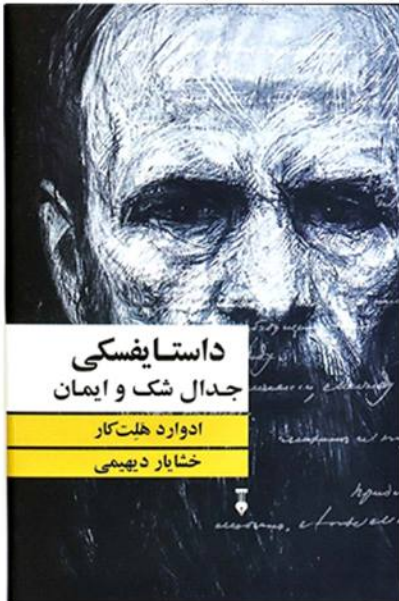
معرفی کتاب برای ایام قرنطینه و تعطیلات

م. سرروش



فوتبال علیه دشمن، ترجمه عادل فردوسی پور
(نشر چشمه)

فوتبال علیه دشمن کتابی است که در سال ۱۹۹۴ به قلم سایمون کوپر، منتشر شد. این کتاب در همان سالبرنده جایزه کتاب ورزشی برتر سال از موسسه ویلیام هیل شد. فوتبال علیه دشمن روایتگر مشاهدات عینی نگارنده از تاثیر فوتبال بر ساختارهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف است. کوپر در جایی از کتاب می گوید: "فوتبال هیچ وقت تنها فوتبال نیست. این ورزش جنگ به وجود می آورد، انقلاب می کند و موردتوجه مافیایها و کارتل ها و دیکتاتور هاست."



جدال شک و ایمان، ادوارد هلت کار (نشر نو)
این کتاب به زندگی و زمانه نویسنده بزرگ روس، فئودور داستایفسکی می پردازد. این کتاب به خوبی توانسته وجوه مختلف اندیشه او و همینطور درون مایه رمان های شاهکار او را بررسی کند. خواندن این کتاب شما را به خواندن کتاب های "برادران کارامازوف"، "جنایت و مکافات"، "ایده"، "قمارباز" و دیگر کتب این نابغه روسی ترغیب خواهد کرد. در جایی از کتاب می خوانیم: "جهان داستایفسکی جهانی بسیار بسیط تر از جهانی است که ما در آن زندگی می کنیم. جهان او، جهان بایر و تصنعی رمانتیک ها نیست." ضمن دعوت به خواندن این کتاب، شما را به خواندن ادبیات روسیه بخصوص کتاب های داستایفسکی می نمایم.



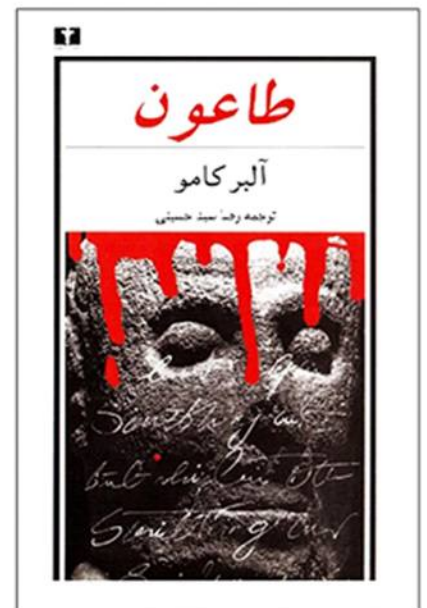
نیم دانگ پیونگ یانگ، رضا امیرخانی
(نشر افق)

رضا امیرخانی در تازه ترین اثر خود، تجربه هایش را از سفر به کره شمالی ثبت کرده که نقطه ای پر ابهام در ذهن بسیاری از مردم جهان است. امیرخانی سعی کرده تا حقایق این کشور را به درستی بررسی کند. امیرخانی معتقد است که ایران کره شمالی نمی شود. آیا ایران اوضاع خوبی دارد یا تصور ما از کره شمالی چندان با شایعات مطابقت ندارد.



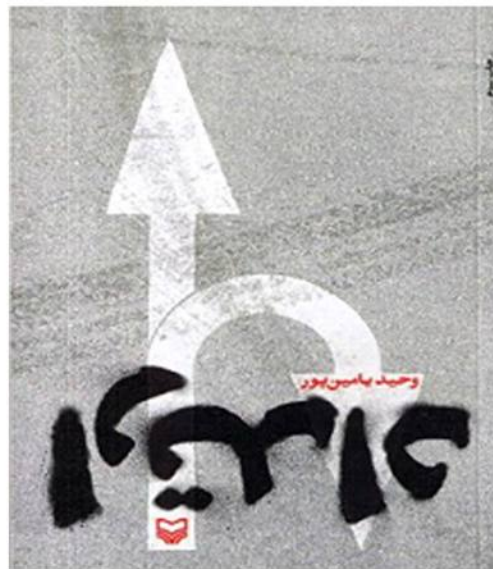
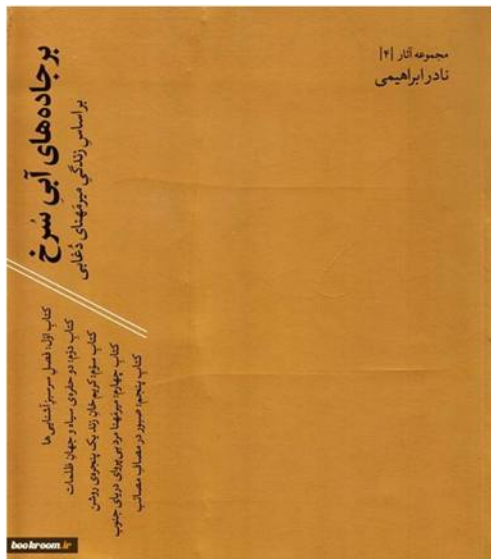
غول مدفون، کازوئو ایشی گورو (نشر چشمه)

رمانی است نوشته کازوئو ایشی گورو نویسنده انگلیسی-ژاپنی. این کتاب نخستین بار در سال ۲۰۱۵ منتشر و در سال ۲۰۱۷ موفق به کسب نوبل ادبیات شد. داستان درباره زوجی است که پس از هجوم ساکسون ها به انگلستان و در زمان صلح میان شاه آرتور و برتونی ها زندگی می کنند و دارای فراموشی حواس هستند. آن ها نمی دانند که فرزندی داشته اند یا نه و از گذشته مشترکشان خبر ندارند. ایشی گورو با کتابهای "هرگز رهایم مکن"، "وقتی یتیم بودیم" و "بازمانده روز" نیز شناخته می شود.



طاعون، آلبر کامو (انتشارات نیلوفر)

طاعون قصه شهر آرام و ساکتی است که به یک باره مورد هجوم موش های ناقل بیماری قرار می گیرد و این بیماری در شهر شایع می شود تا تمامی آن را فرا بگیرد. در روزهایی که بیماری کرونا تعاملات اجتماعی ما را تحت الشعاع قرار داده، خواندن عصیانی اجتماعی بر علیه مسائل مشابه می تواند هیجان انگیز و تا حدودی راهگشا باشد. آلبر کامو در نامه ای به رولان بارت می نویسد: "در مقایسه با رمان بیگانه، طاعون بی گفتگو گذاری است از سرکشی انفرادی به جهان اجتماعی. اجتماعی که باید در مبارزه هایش شرکت کرد. اگر از بیگانه تا طاعون راهی در راستای تحول باشد، این تحول در جهان همبستگی و مشارکت است."



برجاده‌های آبی سرخ، نادر ابراهیمی (نشر روزبهان)
کتاب بر جاده‌های آبی سرخ، نوشته مرحوم نادر ابراهیمی و براساس زندگی میهنی دغابی، یکی از حاکمان و مبارزان جنوب کشور است. میهنی در طول زندگی خود به غارت مهاجمان و بیگانگان دریای فارس می پرداخت. او توانست هلندی‌ها را از جزیره خارک بیرون و سپاه کریم خان را وادار به عقب نشینی کند. نادر ابراهیمی با نشر ویژه خود، با ترکیبی از حماسه و شاعرانگی به روایت داستان زندگی میهنی پرداخته است.

ارتداد، وحید یامین پور (نشر سوره مهر)
تازه ترین کتاب وحید یامین پور می تواند برای علاقمندان به رمان های عاشقانه و سیاسی جذاب باشد. وحید یامین پور پیش تر در کتاب های "نخل و نارنج" و "ماجرای فکر آوینی" ثابت کرده بود که فهم خوبی از داستان نویسی و سیاست دارد که البته انتقاد هایی بر او رواست اما حضور قلمش نوید روزهای بهتری برای جناح محافظه کار ایران می دهد.



ریگ روان، استیو تولتز (نشر چشمه)
ریگ روان رمانی است از استیو تولتز که بیشتر با رمان تحسین شده "جزء از کل" شناخته می شود. تولتز در مصاحبه ای گفته جزء از کل را درباره ترس از مرگ و ریگ روان را درباره ترس از زندگی نوشته. مطالعه این کتاب به طرفداران رمان های فلسفی پیشنهاد می شود.

عقاید یک دلک، هاینریش بُل (نشر چشمه)
هر کسی که حتی از کنار یک کتابفروشی هم گذشته باشد، آوازه رمان عقاید یک دلک را شنیده است. این رمان روایتگر یک تک گویی چند لایه است که به شکست های یک دلک به نام شنیر و فروپاشی درونی او می پردازد. دلکی شکست خورده و دائم الخمر که شما را با داستان زندگی خود و خاطراتش همراه می کند. هاینریش بُل موفق شد جایزه نوبل ادبیات سال ۱۹۷۲ را برای این کتاب بگیرد. عقاید یک دلک تلاشی است برای نمایش چهره فاشیسم و تاثیر آن بر زیست سیاسی و اجتماعی آلمان، انتقاد از جنگ و همینطور تخریب چهره مزورانه اخلاقیات کلیسا.

الفبا
A L E F B A _ I R

صاحب امتیاز بسیج دانشجویی
دانشگاه فرهنگیان

مرکز ثامن الحجج علیه السلام

مدیرمسئول: محسن شاطری

سر دبیر: حسین فاتحی

هیئت تحریر: حسین فاتحی

رضا هاشم زئی امیر حسین حسینی

علیرضا واعظی، علیرضا شیرزاده

حمیدرضا ایزدی، امیررضا اکبرزاده

ویراستار: مبین مختاریان

طراح و صفحه آرا: رضا هاشم زئی